

# سخن

شماره هفتم

مهر ۱۳۳۵

سال هفتم

## تربیت و اجتماع

وقتی اصحاب کهف از خواب دراز خوش بیدار شدند جهان را در گریه یافتند. ما نیز اکنون که می‌خواهیم از خواب چند صد ساله بیدار شویم به ابهام و اجمال حس می‌کنیم که جهان گرداگرد ما آن نیست که بود. چند قرن پیش جهان علم و دانش چشم به سمرقند و خراسان وری و اصفهان دوخته بود تا ببیند بیرونی چه می‌نویسد و بوعلی چه میگوید و رازی چه می‌اندیشد. اکنون جهانیان می‌گرشند تا در میان خرابه های تازیخ اثری از وطن بیرونی پیدا کنند و نشانی بیابند که روزی در این سرزمین چنان مردانی زیسته‌اند. بین ما و دیگران ورطه ای عظیم حاصل شده است و ما را چندین قرن از کاروان دانش و هنر جدا کرده است. برای طی این مسافت باید نخست اندیشه و تأمل بکار بریم و راه صحیح و درست را پیدا کنیم و آنگاه شب و روز بی‌تن‌آسانی و سستی در آن راه بتازیم. باید در راه تحول بزرگی در زندگی خود قدم علم کنیم. اگر تربیت را به معنی وسیعش در

نظر گیریم ، که ایجاد تغییر و تحول مطلوب در آدمیانست ، برای نو کردن اجتماع فرسوده خود جز تربیت راهی نداریم . برای ساختن اجتماع نو باید افراد نوساخت. افراد نو خانه نو، شهر نو و اندیشه نو خواهند ساخت و برای ساختن افراد نو جز تربیت وسیله ای نیست .

اگر کشورهای پیش افتاده بیشتر توجه به تربیت کودکان و جوانان خود دارند ، ما که می خواهیم به تندی و شتاب اجتماعی نو بسازیم ، ناچاریم تربیت را عام کنیم و به تربیت همه افراد خود پردازیم . ناچاریم به شهر نشینان پیاموزیم که در مزبله های کنار خیابان دست و دهان نشوید. ناچاریم به دهقانان پیاموزیم حشرات و خزندگان موزی را از خانه و مسکن خود بیرون کنند . ناچاریم بسدها هزار نفر که وجود آنها مولد ثروت و منشأ فایده ای نیست پیاموزیم کاری مفید برای خود و دیگران در پیش گیرند . خلاصه ناچاریم تربیت را سر لوحه اصلاحات اجتماعی و نوعی جهاد ملی به شمار آوریم .

اما تربیت که مهمترین وظیفه پیشوایان اجتماع نسبت به افراد است مشکلترین و پیچیده ترین این وظایف نیز هست . پیشوایان اجتماع باید از هر چه عقل و دانش هست در این راه استفاده کنند چه افراد آدمی دیوار گلی نیستند که اگر کج ساخته شد ویران کردن آن به آسانی ممکن باشد. تربیت فنی است که مثل فن پزشکی به دانشهای بسیار نیازمند است اما به مراتب مشکلتر از فن پزشکی است .

نخستین پایه تربیت و شرط اساسی موفقیت آن داشتن فلسفه روشن و صحیح است . چون منظور از تربیت ایجاد تغییرات مطلوب در آدمیانست قبل از شروع بدان باید دانست مراد از تغییرات مطلوب چیست و می خواهیم از آنچه هست چه بسازیم . زمانی مکتبداران تصور می کردند خواندن قرآن بزبان نامفهوم و نوشتن و خواندن فارسی و دو زانو نشستن غایت تربیت است . اکنون می نماید دستگاہ های تربیتی ما بر این فرض مبتنی است که هدف تربیت انباشتن ذهن از یک سلسله معقولات و محفوظات است . اگر توجه کنیم که در جامعه متمدن امروز بیش از ده هزار شغل و حرفه گوناگون هست آشکار می شود که دستگاہ تربیتی ما افراد را برای ایجاد جامعه متمدن و مترقی آماده نمی کند .

می توان گفت هدف تربیت بطور کلی آنست که آمال و آرزو های عالی اجتماع را در نسل جوان جامعه عمل پوشد . تربیت باید نخست از مواد خام افراد آدمی بسازد و آنها را برای وظائف فردی و اجتماعی آماده کند ،

آنها را توانا سازد که از راه کار سودمندی زندگی خود را اداره کنند. تربیت باید ذوقها و استعدادها را پرورش دهد تا میراث تمدن را نگهداری کنند و بر آن چیزی بیفزایند. اما بحث از خصائل و فضائلی که لازمه «آدمیت» است و تربیت باید آنها را در افراد راسخ کند خود بحث مفصلی است و ارتباط خاص با فلسفه دینی و سیاسی و اجتماعی قوم دارد. بسیاری از این فضائل مثل درستی و وظیفه شناسی و احترام حقوق دیگران برای همه جوامع ضروریست. تربیت از راه ایجاد عادت این فضائل را در افراد راسخ میکند. تعیین هدف صحیح تربیت و روشن کردن این مطلب بویژه برای اجتماع ما اهمیت خاص دارد چه ما در مشکلترین دوره تاریخ خود قرار داریم و باید با دقت و تأمل بینیم از آداب و سنن و عاداتی که داشته ایم کدام قابل نگهداری است و کدام را دور باید ریخت و باید انتخاب کنیم که از تمدن مغرب زمین چه چیزها را و تا چه حد باید اقتباس کرد.

پایه دیگر تربیت علم روانشناسیت. روانشناسی از استعدادها را افراد و اختلاف میان آنها بحث می کند. برای اینکه دستگاه تربیت درست بداند چه تغییراتی ممکنست در افراد پدید آورد باید آنها را درست بشناسد. اگر مربی افراد را یکسان در یک دستگاه تربیتی بریزد کار او بکار طبیعی مانند می شود که برای همه بسیار بهایک نسخه پیش نداشته باشد. اختلاف میان افراد در استعداد - های ذهنی و بدنی چندانیست که بقول دانشمندی می توان گفت اختلاف میان یک فرد آدمی و یک میمون ممکنست کمتر از اختلافی باشد که می توان بین دو فرد آدمی یافت. متصدیان دستگاه تربیتی ملتی که افراد را بی رعایت استعداد آنان به یک نوع مدرسه می فرستند نه تنها موجب بدبختی و سیه روزی اطفال می شوند بلکه موجب اختلاف و ویرانی مهمترین منبع ثروت ملی یعنی استعداد افراد آن ملت میگردند.

پایه دیگری که تربیت صحیح بساید بر آن استوار باشد علم جامعه شناسیت. مربی باید از دردها ورنجها و امیدها و آرزوها و نیازمندهای اجتماع بخوبی آگاه باشد چون ناگزیر افراد را برای اجتماع تربیت می کند و سعادت یا بدبختی اجتماع نتیجه مستقیم کار اوست. اگر اساس زندگی قومی بر کشاورزی است پیداست که دیوانگی محض است اگر دستگاه تربیت افراد را برای فن کشتی سازی آماده کند. اگر قومی چنان از تمدن فنی و صنعتی عقب مانده است که کشاورزی را با آلات و ادوات ماقبل تاریخ می کند پیداست که آموختن کشاورزی علمی برای آن قوم مهمتر از تدریس فلسفه هگل است. قسمت اعظم بدبختی امروز ما در آنراست که وقتی به

اقتباس بنگاههای تربیتی فرانکستان پرداختیم به اثرات اجتماعی آن توجه نکردیم. دبستان و دبیرستان ساختیم تا جوانان ما دوازده سال عمر خود را در آنجا صرف کنند. از کسانی که به دبیرستانهایم رفتند عده بسیار کمی استعداد یا توانایی مالی داشتند به دانشگاه بروند و متخصص شوند. اکثر آنان جوانانی شدند که پس از صرف دوازده سال نه تنها برای هیچ کار مفیدی آماده نبودند بلکه از بازگشت به حرفه و کار پدر خود نیز ابا و امتناع داشتند. در نتیجه دستگاه تربیت کاری جز تراشیدن سربار و گدا برای اجتماع انجام نداد. ناچار قربانیهای دستگاه تربیت دست گدائی پیش دولت بردند و هرچه دستگاه دولت بدین ترتیب مفصلتر شد از قدرت تولید ثروت ملی کاسته شد و مولدان حقیقی ثروت زبون تر و بیچاره تر شدند.

آنچه گفته شد شاید تا حدی روشن کرده باشد که هیچ اجتماعی که به حال و آینده خود علاقه مند است نمی تواند تربیت افراد را سرسری بگیرد. مریبان هر قوم باید برگزیده خردمندان آن قوم باشند چه تربیت به معنی وسیعش شامل هر نوع اصلاح اجتماعی است. آنکس که می خواهد اجتماع را از لحاظ اقتصادی اصلاح کند، آنکه می خواهد بهداشت افراد ملتی را تأمین کند، آنکس که در نظر دارد نظم و آرامش در اجتماع برقرار سازد و هر مصلح دیگری قسمت اعظم وظایفش تربیت افراد است. بازور یا قانون فقط میتواند قومی را به ظواهر آدمیت آراست. تنها با تربیت است که می توان حقیقت «آدمیت» را در آنها بوجود آورد.

پروفسور کاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 محمود صنایعی

پرتال جامع علوم انسانی